

دانلود رایگان جزوه فلسفه تعلیم و تربیت

[برای دانلود جزوه اینجا کلیک کنید](#)

بخشی از جزوه:

اولین فیلسوفی که به راز تاثیر شعر و موسیقی و به طور کلی هنر های زیبا در پرورش منش آدمی پی برد. آهنگ ها و گام هایی را قبول دارد که افسردگی و هوس انگیزی بار نیاورد . بلکه باید آهنگ هایی را ساخت که یا جرات یا آرامش و هماهنگی پدید آورد یا زمینه ای برای میانه روی و خویش تنداری باشد . چون موسیقی بنیادش بر نظم و هماهنگی است . که نظاره زیبایی این جهان که نشانه و رمزی است . از زیبایی به خودی خود ، می تواند انگیزه ای باشد برای اوج گرفتن روان به جهان معنا و رو کردن به اصل خویش . از اینرو به هر نسبت که برخورداری آدمی از تربیت حقیقی بیشتر باشد به همان نسبت به مقام ادراک حقیقت، نیکی ، و زیبایی نزدیکتر می شود پس همانا همه مراتب تربیت از نخستین گامهای آن تا برترین اوج ممکن که همانا سیر به جهان معناست ، از همین شوق روان ، سرچشمه می گیرد .. زشتی و ناهماهنگی بازتابی است از منش بد و روان نازیبا ، به همان اندازه که زیبایی و نظم و هماهنگی خویشاوند روان زیبا و تصویرآست .

افراد بر طبق شایستگی طبیعی خود تا هر پایه ای از تربیت که می توانند بالا روند و کسانی می توانند زمام کشور را بدست گیرند که به این مقام رسیده باشد .

فرد دادگر کسی است که همه توانایی های و جنبه های گوناگون هستی او هماهنگ با یکدیگر شکوفا شده باشند . برترین مرحله تربیت : سیر در راه شناسایی و رو کردن به بنیاد یگانه ای است که هر آنچه نیک و زیباست از اوست و این را ایده می داند دانش در زبان افلاطون و سقراط ببینش است .

ارسطو :

تربیت کار و وظیفه زمام داران جامعه است باید یکسان و همگانی باشد نه خصوصاً یعنی نه چنانچه اکنون هست که هر کس به فرزندش را به میل خود بار آورد و هر راجه به گمان خویش سودمند می داند به آنان می آموزد .

سه عامل نیک و با هنر شدن انسان (1 سرشت (3 (خو(عادت) (3) خرد

نیکبختی انسان در این سه جنبه است و خرد برترین است و برتری انسان به جانداران خرد است . تاکید او بر پدید آمدن عادت پسندیده و باتمیز و تکرار است .

تاکید بر تربیت منش : تنها با عادت های خوب آراسته شده باشد . رشد و تربیت باید با پدید آوردن عادت خوب آغاز کرد .

تربیت : احساسات آدمی است که او را به سوی هنر اخلاقی می برد نه تربیت خرد باید کودکان را از شنیدن داستانهای بد ، موسیقی بد ، همنشینی با بدان و بردگان بازداشت .

فرانسویس بیکن پایبند عقاید دیگران بودن گونه ای بت پرستی است . اولین گام در راه اندیشیدن رها شدن از پیروی کورکورانه است

وبت ها عبارتند از : قبیله – غار – بازار - نمایش بت های قبیله عیب ها و خطاهایی که از دلبستگی شخصی برمی خیزد .

بت های غار = مانع هایی که از دلبستگی شخصی بر می خیزد بت های بازار = واژه های نا دقیق که آدمی را به پیرامه می برند .

بت های نمایش نظریه ها و عقایدی که چون با آب و تاب بسیار و با حالتی تبلیغی بر صفحه آورده شود و نمایشگران شیفته آنها گردیدند .

برای شناخت طبیعت باید به سوی آن رفت و قانون های طبیعت را از خود آن آموخت .

تنها از راه فراهم آوردن نیروهای تجربی است که می توان به دانستی های تازه دست یافت . ارزش دانش در نیرو و توانی است که از آن بر می خیزد .

بیکن بنیانگذاران فلسفه علم در دوران نو گردید . دکارت :

پدر فلسفه نو دکارت است و فلسفه را از هر گونه تبعیت و ارهائید و همه آموخته ها را از نو آموخت از آنجا که کسی را نیافت که برتر از دیگران باشد او برگزار دیگران باشد خود را راهنمایی خود کرد .

از اندیشه های خود را با نظم هدایت کرد . با موضوعات ساده شروع و گام به گام به سوی شناختن پیچیده ترین موضوع رفت .

فرق مونیتنی بادکارت

مونیتنی روشی برای پژوهش و سنجش عرضه نکرده بود و شک کردن برای مونیتنی پایان کار بود .

برای دکارت شک اول کار است خودداری از شنا بزرگی در داوری و رهایی از پیشداوری تاکید دکارت بر اندیشیدن خردمندانه و از روی روش پافشاری آن درباره رها شدن از پایبندی به عقاید دیگران یکسان است .

تاکید او بر روشنی طبیعی خرد همگانی دانستن این توانایی برتر شمردن فهمیدن و سنجیدن اندیشه ها از آموختن به کنار گذاشتن زبان تاریک مدرسه و انتخاب زبان ساده توجه به زبان مادری

کومینوس